

ارزیابی سیمای اکولوژی سرزمین ایران با رویکردهای مدیریتی و حفاظتی در ۷ شاخه

طبیعی و زیست محیطی

(مقاله پذیرش شده شفاهی مهندس سیدحسین سیدحسینی کارشناس ارشد منابع طبیعی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان اصفهان در کنفرانس ملی علوم کشاورزی و محیط زیست در شیراز)

mtabeiat@gmail.com

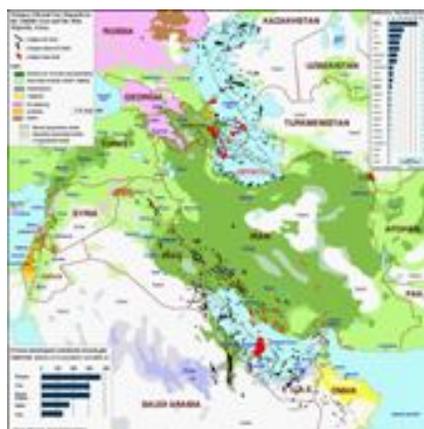
مقدمه



همگام با رشد اقتصادی ، فشار بر سیستم های طبیعی و منابع کره زمین افزایش می یابد . اقتصاد به رشد خود ادامه می دهد اما اکوسیستمی که اقتصاد به آن وابسته است ، رشد نمی کند و این امر رابطه ای تنش زا پدید آورده است . رشد شاخص های اقتصادی مثبت و شاخص های زیست محیطی هر روز منفی تر می شود . جنگل ها کوچکتر می شوند ، سطح سفره های زیرزمینی پایین تر می رود ، خاکها فرسوده می شوند و بیابان ها توسعه می یابند. یکی از مسائلی که رودروی جهان بی اهمیت تلقی شده گسترش بیابان هاست که در اثر عدم حفاظت بهینه و به هم زدن سیمای سرزمین بوجود می آید. تنها راهکار عملی برای نجات منابع طبیعی مشارکت دستگاههای دولتی و غیر دولتی با مردم است. لذا موضوع و مسئله مشارکت از طریق نهادها و سازمانهای بین المللی در دستور کار قرار گرفته است ، زیرا مردم در این حرکت ها و اقدام ها حضور ندارند . گذشت زمان همگان را با این واقعیت روبرو کرد کاری که مردم در آن حضور ندارند آب در هاون کوبیدن است. در پرتو تحولات بوجود آمده، روز به روز اهمیت، نقش و جایگاه مردم و مشارکت آنها در اداره امور منابع توجه قرار گرفته است. سازمان خوارو بار جهانی در یکی از گزارش های خود مسئله و موضوع را اینگونه بیان کرده است" رویکرد مشارکتی به عنوان ابزار ممتازی است که زمینه شرکت فعال و مسئولانه مردم را فراهم می کند". بنابراین با توجه به اینکه منابع طبیعی از ثروتهای الهی و ۸/۸۲ درصد سطح کشور را تشکیل داده و باعث ارزش ملی و جلوه های عزت و خدمت در کشور شده است، باید این واقعیت را بپذیریم که بعنوان

مسلمان و ایرانی وظیفه دینی داریم تا در مقابل این موهبت الهی در زیستگاه خود با انتظار بیش از حد و بدون انجام کار معقولانه و اصولی نمیتوانیم فقط با ارتقاء زیستگاه خود، بدون توجه به آن از طبیعت استفاده ببریم، بلکه بدون توسعه پایدار در منابع طبیعی، تنها با اهمیت دادن به زیستگاهی که طرفداران زیادی دارد، زمینه تخریب و آلودگی را در سرزمین فراهم کرده ایم.

اهداف



با توجه به مساحت ۱۶۵ میلیون هکتاری کشور و مساحت حداکثری و ۸۵ درصدی منابع طبیعی، حفاظت با مشارکت دستگاههای دولتی و غیر دولتی با حضور مردم از سیمای اکولوژی سرزمین در ۷ شاخه طبیعی و زیست محیطی شامل جنگلها، مراتع، بیابانها، حوضه های آبخیز، اراضی کشاورزی، حیات وحش، شیلات، زیستگاههای طبیعی و زیستگاههای انسانی از ضروریات و موجب پایداری بخشهای اقتصادی و اجتماعی کشور خواهد شد. حفظ و حمایت، احیاء، توسعه، و بهره برداری اصولی از جنگلها، مراتع، اراضی جنگلی، بیشه های طبیعی، اراضی مستحده ساحلی، حفاظت و حمایت از آب و خاک کشور از طریق مدیریت علمی بر حوزه های آبخیز و رعایت اصول توسعه پایدار موجب حفاظت و ارزش گذاری خدماتی بالای این منابع بر روی اراضی کشاورزی، زیستگاههای انسانی و زیستگاههای طبیعی و و تحول اکوتوریسم و آگروتوریسم با داشتن جاذبه های طبیعی، تاریخی، فرهنگی، مزارع سرسبز، کوچه باغات و باغ شهرها نیز از آثار ارزشمند مدیریت حفاظتی بر این منابع خواهد بود. خواهد شد و نتیجتاً با افزایش اثر بخشی و ارتقاء ضریب حفاظت منابع طبیعی، اهداف سازمانی دولت با مشارکت مردم بر مدیریت و حفاظت این منابع خدادادی و عوامل زیست محیطی تحقق خواهد یافت. فرهنگ سازی به منظور حفاظت از طبیعت و زیستگاهها و چشم اندازهای آن، طراحی محیط زیست و بهسازی منظر و فضای سبز متناسب با تغییرات اقلیمی، مدیریت و پایش آلودگی های زیست محیطی در مقیاس سیمای سرزمین و طراحی و مدیریت منظرهای شهری و روستایی از طریق مدیریت آب شهری و روستایی بمنظور تامین آب مورد نیاز فضای سبز می باشد. مدیریت و حفاظت اکوسیستم های مختلف طبیعی، نیمه طبیعی و شهری شامل اکوسیستم های خشکی (حوضه های آبخیز، جنگلها، مراتع، بیابانها، ...) و اکوسیستم های آبی (سواحل، دریاها، تالابها، دریاچه های مصنوعی و...)، حقوق و مشارکتهای مردمی در مدیریت پایدار سیمای سرزمین و تغییرات اقلیمی و نقش آن بر ساختار و عملکرد اکوسیستمها از دیگر اهداف مهم می باشد.



مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست از دو بخش فنی و سیاست‌گذاری تشکیل شده است که نیاز به اطلاعات اکولوژیکی، جامعه‌شناسی و علوم ارتباطات انسانی دارد، که این روش میتواند کمک شایانی در مدیریت و حفاظت ۷ شاخه طبیعی وزیستی مذکور نماید. برنامه ریزی، سازماندهی، کنترل امور، هماهنگی، ارزشیابی، وهدایت امور در این منابع طبیعی و زیستی با ایجاد اشتغال ودر آمد بایستی مورد توجه جدی و عملی با توان بالقوه وبالفعل در مدیریت مشارکتی قرار گیرد. باید در نظر داشت مدیریت مشارکتی متکی بر روابط انسانی است که در آن ارزشهای انسانی وجود دارد و کار مفید و موثر تنها به وسیله کارکنانی رضایتمند انجام می شود و اگر نقصانی در کار بوجود آید ریشه آن در رابطه بین کارکنان و کارفرمایان قابل تشخیص و حل شدنی است. ایجاد انگیزه، اعتماد سازی و ایجاد ارتباط، آموزش، سازماندهی، پشتیبانی و حمایت، استمرار ومدوامت، ارزشیابی وتحقق مشارکت از مراحل مشارکت مردم در این منابع است که زمینه کار و اشتغال را فراهم می کند. سیمای سرزمین دارای اکوسیستم پیچیده حیاتی است و با داشتن اقلیم متفاوت، ساختار اجتماعی- اقتصادی و داشتن گونه های جانوری وگیاهی متنوع برای اجرای طرحها و انجام فعالیت ها نقش وجایگاه دستگاههای دولتی وغیر دولتی با مشارکت مردم با همکاری و نظارت سازمان های مسئول و تاثیر گذار باید در آن مشخص و تعیین شود. حضور مردم در مدیریت منابع طبیعی در سراسر جهان به توسعه پایدار وایجاد تغییرات اساسی در سیمای اکولوژی این منابع انجامیده است، درمقابل بهره گیری از قوه قهریه در مدیریت منابع در اکثر نقاط جهان به شکست انجامیده است بطوریکه در شرایط فعلی کشور منابع طبیعی تخریب گردیده است. موانع مشارکت در منابع طبیعی بدلیل شکست سازو کارهای صرفا دولتی در مدیریت پایدار منابع طبیعی تجدید شونده است. متأسفانه شاهد آن هستیم که در بسیاری از برنامه هایی که مردم طبیعت ومنابع آن سرو کار دارند به حساب نیامده اند. نگاه ها تماما دولتی و آمرانه است. لذا اساسی ترین راهکار این است که طراحی و تدوین برنامه های مدیریت مشارکتی به صورت قانون در آید. موقعیتهای ویژه مانند روز جهانی مقابله بیابانزایی و روز جهانی محیط زیست با همصدایی با سایر نهادهای جهانی میتواند مکانیزم قانونی را برای تعیین مسئولیت وزارتخانه ها وسازمانها وجلب همکاری آنها با مردم بمنظور خدمت رسانی و اجرای پروژه های منابع طبیعی ایفا کند. بنابراین با کسب تجارب جهانی میتوان از پتانسیل های موجود در جلب همکاری سازمان های دولتی وغیر دولتی مانند انجمن های زیست محیطی وطرفدار طبیعت، دوستداران طبیعت وهمیاران طبیعت بهره برد. کارشناسان، موسسات دولتی مرتبط با مسائل مختلف منابع طبیعی، محیط زیست، امور دام، گردشگری و... علاوه بر فعالیت در سازمان های متبوع خود، مشارکت ارزشمندی را با گروه های اجتماعی می توانند به عمل آورند. اگر کارشناسان و متخصصان دولتی احساس کنند که تخصص و توانایی و خدمات آنها برای حل مشکلات جامعه مورد نیاز است، احساس تعلق بیشتری خواهند کرد. این امر آنها را ترغیب می کند تا به جامعه ای که در آن زندگی می کنند کمک کنند

لزوم ظرفیت سازی در توسعه پایدار



ظرفیت سازی یکی از ابزارهای تسهیل کننده و ضروری در امر توسعه به شمار می آید. فعالیت های پروژه به اقدامات ملی و محلی در زمینه مدیریت یکپارچه منابع طبیعی، معیشت پایدار، ارزش گذاری خدماتی اکوسیستمی و نیز پروژه های زیست محیطی مرتبط شده است. برای تضمین پایداری پروژه، پس از اتمام دوره اجرای آن، موارد زیر مورد توجه است.

- ظرفیت سازی مقامات دولتی و جوامع محلی به واسطه حمایت های فنی و آموزشی مناسب و پایداری سازی در سطح سازمانی.

- تقویت سطح دانش و آگاهی جوامع محلی تحت تاثیر، دست اندرکاران کلیدی و دیگر ذینفعان پروژه در زمینه منفعت های حاصل از مدیریت پایدار و یکپارچه منابع طبیعی و فعالیت های مربوط به پروژه .

حوزه های آبخیز:



عرصه حوزه های آبخیز کشور شامل ۶ ابر حوزه (بر اساس تقسیمات تمآب، وزارت نیرو) برابر با مساحت کل کشور می باشد که هر یک از این حوزه ها خود به حوزه های کوچک و تا چندین رده نیز کوچکتر تقسیم می شوند. این شش ابر حوزه عبارتند از حوزه دریای خزر با ۷ حوزه کوچکتر، حوزه خلیج فارس و دریای عمان با ۹ حوزه کوچکتر، حوزه آبخیز دریاچه ارومیه، حوزه آبخیز فلات مرکزی با ۹ حوزه کوچکتر، حوزه آبخیز مرزی شرق با ۳ حوزه کوچکتر و حوزه آبخیز قره قوم. این ۶ کلان حوزه به ۳۰ حوزه آبخیز اصلی و ۱۰۸۱ حوزه آبخیز فرعی تقسیم شده است. از مجموع ۱۶۴ میلیون هکتار مساحت حوزه های آبخیز کشور، حدود ۹۰ تا ۹۵ میلیون هکتار آن مربوط به مناطق کوهستانی و شیبدار و حدود ۶۹ تا ۷۴ میلیون هکتار آن مربوط به مناطق کم شیب و دشتها است. حدود ۹۱ میلیون هکتار از عرصه های حوزه های آبخیز (۵/۵۵ درصد از سطح کشور) سیل خیز است. این عرصه ها در تولید روان آب سطحی نقش دارند. به طوری که سالانه بیش از ۲۲ میلیارد متر مکعب روان آب مستقیم و سریع تولید می کنند که این خود در تشدید فرسایش و ایجاد سیلابهای مخرب موثر است. در

وضعیت موجود حدود ۲۵۵ شهر، ۸۶۵۰ پارچه آبادی، یک میلیون هکتار از اراضی زراعی، ۲۰ هزار رشته قنات و بخش قابل توجهی از جاده ها و راههای ارتباطی در معرض خطر سیل گیری است. با توجه به وسعت عرصه ها و تعداد حوضه های آبخیز، اقدام فقط دولتی در سرزمین پهناور ایران بعنوان تنها یک عامل تاثیر گذار در سطح گسترده و فراگیر کاری بس مشکل و نافرمام است. لذا بمنظور دستیابی به این امر مهم در مدیریت حوضه های آبخیز طبیعی، شهری و روستایی با هدف کنترل سیلاب و روان آبهای ناشی از بارندگی ها، بایستی ترتیبی داد تا در تامین آب مورد نیاز شرب، کشاورزی، فضای سبز و صنایع، کلیه دستگاههای دولتی و غیر دولتی همکاری و مشارکت لازم را داشته باشند و نقش و جایگاه هر کدام در این اقدام مهم ملی تعیین شود، تا در آینده نه چندان دور دچار تهدیدات کم آبی و بی آبی در کشور نشویم، بلکه از صادر کنندگان مهم آب شیرین به کشورهایی که مورد تهدید و کاهش آب شیرین در کره خاکی هستند باشیم. این اقدام ملی و مشارکتی که موجب افزایش قابلیت ها در اثر ظرفیت سازی می شود، موجب جلوگیری هزینه زایی های بالا، سرعت بخشیدن به مطالعات، تهیه طرحها و اجرای پروژه های آبخیزداری و همچنین علاوه بر اجرای پروژه های آبخیزداری در حوضه های طبیعی، اجرای پروژه های آبخیزداری در حوضه های شهری و روستایی امکان پذیر خواهد شد.

جنگلها :



سطح جنگلهای ایران ۱۴ میلیون و سیصد و هیجده هزار و هشتصد و هفتاد و دو هکتار یعنی معادل ۸/۸ سهم از سطح کل کشور می باشد. این جنگلها در ۵ ناحیه رویشی شامل خزری، زاگرس، خلیج و عمانی، ارسباران و ایران و تورانی در کشور وجود دارد، که حدود ۱۰/۵ میلیون هکتار آن متعلق به خارج از شمال است و اگرچه از نظر تراکم و انبوهی ضعیف گردیده و تحت فشار شدید اقتصادی، اجتماعی اکثرا مورد انواع بهره برداری های کنترل نشده سنتی قرار دارند. لذا نظارت مستمر کارشناسی در اجرای پروژه های مدیریتی و حفاظتی انجام می شود. انجام فعالیتهایی مانند احیاء و غنی سازی جنگل های طبیعی، استفاده از پیمانکاران تخصصی در اجرای پروژه های جنگلداری، خروج دام از جنگل، حذف سود بازرگانی و کاهش تعرفه گمرکی مربوط به واردات چوب، اجرای کامل و دقیق طرحهای صیانت و توسعه جنگل های زاگرس، نظارت دقیق و کنترل بر امور مربوط به معادن و کاهش فعالیت های معدنی، توانمند سازی اقتصادی و فرهنگی ساکنین مناطق جنگلی، تولید نهال، احداث پارک های جنگلی، ایجاد فضای سبز در محاط عمومی، زراعت چوب، توسعه درختکاری در اطراف مزارع و مناطق مسکونی با استفاده از گونه های مقاوم و سازگار، مراقبت از جنگلکاریهای سنواتی، و بهره گیری از تجربیات کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه در موفقیت هایشان در حفاظت و بهره برداری از جنگل میتواند روشهای حفاظت و مدیریت جنگلها و کاهش فشار به جنگلهای طبیعی از طریق توسعه جنگلکاریها و زراعت چوب در کشور باشد.

مراعات :



مراتع ایران ۸۴ میلیون و هفتصد و چهل و شش هزار و نهصد و هفتاد و یک هکتار یعنی معادل ۵۲/۳ درصد سهم کل کشور است. که حدود ۱۱ درصد از مراتع دارای کیفیت خوب، حدود ۴۱ درصد در وضعیت متوسط، تا فقیر و حدود ۴۸ درصد آن در وضعیت خیلی فقیر قرار دارند. بیش از ۷۰۰۰ گونه گیاهی ارزشمند در قلمرو مراتع رشد می یابند و گیاهان دارویی با ارزش بالایی در بین این گیاهان وجود دارند که نیازمند مدیریت و ساماندهی هستند و میتوانند در طرحهای مرتعداری لحاظ شوند. میزان بهره برداری از مراتع نیز ۵/۷ برابر توان مراتع بر آورد شده است که متأسفانه بهره برداران مراتع، دام مازاد هم دارند. از نظر اقتصادی زیان ناشی از تخریب اکوسیستم های مرتعی به مراتب بیشتر از تولید علوفه، گوشت و سایر فرآورده های لبنی است و ادامه بهره برداری به نابودی آب و خاک می انجامد. استفاده بی رویه از مراتع سبب افزایش جریان های سطحی آب و ایجاد سیلاب، هم از نظر تعداد وقوع و هم از نظر حجم جریان شده است و هر ساله مقدار زیادی از خاک های حاصلخیز کشور از بین میرود. مراتع علاوه بر ارزشی که در تولید و تامین علوفه دارند دارای ارزش های دیگری هم هستند. ارزیابی، کنترل و ساماندهی بهره برداری ها با اجرای کامل و دقیق طرحهای مرتعداری، آموزش بهره برداران در راستای اجرای بهتر طرحهای مرتعداری، نظارت و کنترل بر امور مربوط به معادن و کاهش فعالیتهای معدنی در مراتع، بستر سازی برای توسعه گیاهان دارویی و خوراکی مانند کلوس (کرفس کوهی)، توانمند سازی جوامع محلی و عشایری از طریق قالبیابی و تولید صنایع دستی بمنظور کاهش فشارهای جانبی به مراتع مانند بوته کنی و دام مازاد، تقویت و توسعه تعاونیهای مرتعداری، ایجاد اکوتوریسم در مناظر مرتعی با ظرفیت و جذاب، حذف دامداران خرده پا با حمایت و ایجاد اشتغال برای آنها، واردات گوشت مورد نیاز کشور بمنظور خروج دام مازاد از مراتع، تهیه طرحهای جامع مرتعداری در زمینه های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی قابل اجرا، ایجاد ایستگاههای تولید بذور گیاهان مرتعی و دارویی بمنظور تکثیر آنها در مراتع و جلوگیری از سیر قهقرایی مراتع در اثر کاهش زاد آوری بایستی بطور کامل و دقیق صورت پذیرد. لازم به ذکر است مراتع از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، و . . . بمنظور حفظ خاک و جلوگیری از فرسایش، تنظیم گردش آب در طبیعت، حفظ ذخائر ژنتیکی گیاهی و جانوری، ایجاد فضای سبز و تلطیف هوا، تامین علوفه مورد نیاز احشام، تولید محصولات دارویی و صنعتی، اکوتوریسم و تامین غذا و مامن وحوش و پرندگان دارای اهمیت ویژه ای می باشند.

بیابانها و کویرها:



بیابانهای ایران ۳۲ میلیون و پانصد و هفتاد و شش هزار و نهصد و هفتاد و یک هکتار، یعنی معادل ۲۰/۱ درصد سهم از سطح کل کشور است. اگرچه حدود ۳۲/۵ میلیون هکتار از اراضی کشور در وضعیت بیابانی قرار دارد، اما در تقسیم بندی های اکوسیستمی، ۴۳/۷ میلیون هکتار آن در زمره اکوسیستم بیابانی است. ۶/۴ میلیون هکتار در محدوده کانونهای بحرانی است که در بیش از ۲۰ درصد مساحت کشور سرانه آن ۰/۵ هکتار است، در حالیکه سرانه جهانی آن ۰/۲۲ هکتار می باشد. بیابانزایی حاصله به فرآیند تخریب سرزمین، زوال زیست بوم های طبیعی با کاهش توان تولید زیستی اراضی در مناطق خشک، نیمه خشک و خشک نیمه مرطوب ناشی از عوامل انسانی و محیطی اطلاق میگردد. طی حدود بیش از ۳۰ سال تا به حال است که در سطح حدود ۲ میلیون هکتار جنگلهای دست کاشت که اکثرا بصورت تاغزار بمنظور مقابله با بیابانزایی در مناطق بیابانی کشور احداث شده است، که روند آن با هزینه های دولتی و ادامه آن پر هزینه و مقرون به صرفه نخواهد بود، ضمن اینکه در اثر دیرزیستی بدلیل نداشتن تنوع زیستی دچار مشکلاتی نظیر بروز آفات مانند موش، مار و ملخ و رقابت بیش از حد ریشه درختان باعث توقف رشد درختان و خشکیدگی درختان تاغ گردیده.. یکی از راهبردهای مهم در امر بیابانزدایی مدیریت مشارکتی دستگاههای دولتی و غیر دولتی با جلب سرمایه گذار و ایجاد کسب و کار در جنگلهای دست کاشت مناطق بیابانی و توسعه آن با رویکردهای تنوع زیستی، همزیستی با شتر، حفظ ذخائر ژنتیکی و اکوتوریسم و مدیریت منابع آب مانند اجرای پروژه های آبخیزداری در دامنه ها کوهستانی و اراضی شیب دار مناطق بیابانی و نیز هدایت آبرفتها به سطح الارض زیر زمینی و برداشت آن توسط تلمبه بادی که می تواند ضمن تامین آب شرب برای انسان و شتر، آب مورد نیاز گیاهانی که بمنظور ایجاد تنوع زیستی کشت می شوند را تامین کنند و با رویکردهای مذکور بازده اقتصادی ایجاد کند، و در زمان نه چندان دور شاهد احیاء، پویایی و تحول اقتصادی در مناطق بیابانی کشور باشیم. بیش از ۳۵ گونه گیاهی بیابانی دارای ارزش اقتصادی برای ایجاد تنوع زیستی و تعلیف و پرورش شتر وجود دارد، که کاشت آنها توسط جوامع محلی و سرمایه گذار در مناطق بیابانی گام استراتژیک برای احیاء و حفظ ذخائر ژنتیکی می باشد و همچنین جلب اکوتوریسم با داشتن جاذبه های منحصر فرد مانند یادمانهای تاریخی و فرهنگی، شب های دیدنی، تپه های شنی، کلوتهای دشت کویر، اجرای مسابقات رالی و شترسواری و امکان پرورش بهترین نژادهای شتر و تولید گوشت، شیر و محصولات او و سایر فعالیتهای اقتصادی، کشاورزی و جنبی محلی خواهد بود.

زیستگاه های طبیعی:



مناطق حفاظت شده ایران که در مجموعه ذخیره گاههای زیست کره می باشند عبارتند از گلستان، دریاچه ارومیه، کویر، توران، ارسباران، ارژن و پریشان، گنو، طر و میانکاله، که شامل پارکهای ملی، آثار طبیعی ملی، پناهگاههای حیات وحش و مناطق حفاظت شده می باشند. تعداد این مناطق حفاظت شده ۱۶۰ منطقه، مساحت آنها ۱۱۸۲۴۵۹۹ هکتار و ۷/۱۷ درصد کشور را به خود اختصاص داده اند. شبکه جهانی ذخیره گاههای زیستکره، هم اکنون شامل ۴۸۲ منطقه در ۱۰۲ کشور است. مناطق حساس دریایی عبارتند از خلیج فارس و دریای عمان و

دریای مازندران. خلیج فارس و دریای عمان دارای جنگلهای حرا، آبنسنگ های مرجانی، بسترهای علفی، مناطق تخم گذاری لاک پشت ها، مناطق تخم ریزی آبزیان، خورها و مصبها وتالاب ها و خلیج ها می باشد. دریای مازندران نیز دارای تالابهای ساحلی، مصبها، خلیج ها و مناطق تولید مثل ماهیان است. منطقه حفاظت، پناهگاه حیات، پارک های ملی، مناطق شکار ممنوع و ذخیره گاه های زیست کره دارای ویژه گیهای خاص و توان های اکولوژیکی منحصر به فردی هستند که با داشتن گونه های گیاهی و جانوری منحصر به فرد می توانند محیط های مناسبی برای اجرای برنامه های علمی و تحقیقاتی، آموزش و پژوهش های زیست محیطی، چشم اندازهای منحصر به فرد برای انجام فعالیت های گردشگری و اکوتوریسم، زمین شناسی، بوم شناسی، جغرافیای زمینی، حفظ وضعیت زیستی و طبیعی، بهبود جمعیت گونه های جانوری و رویشگاههای گیاهی، ارتباط متقابل انسان و منابع طبیعی و استفاده پایدار، حفاظت و حمایت از منابع ژنتیکی گاهی و جانوری و کنترل پیوسته زیست محیطی را مورد توجه قرار دهد.

زیستگاههای انسانی :



کشور پهناور ما دارای تعداد حدود ۲۳۵ شهر و تعداد حدود ۵۱۵۹۵ روستا می باشد، که با افزایش جمعیت تعداد شهرها زیادتر و از تعداد روستاها کاسته شده است و مهاجرت افراد جویای کار به کلان شهرها بدین ترتیب آغاز شد، در اثر توسعه شهرها، صنایع و مراکز کارگاهی و تغییر کاربری اراضی کشاورزی، فشار بر عرصه های منابع طبیعی و محیط زیست با تخریب آن تشدید شد. بشر در دهه های پایانی قرن بیستم با این واقعیت مواجه گردیده که بسیاری از نگرانی های زیست محیطی فرآوری رشد جمعیت، اسراف در استفاده از منابع، نابودی زیست گاه های حیات وحش، انقراض گونه های گیاهی و جانوری و انواع آلودگی ها ارتباطی درونی با یکدیگر داشته و به گونه ای بی سابقه تمام زمین را به عنوان زیستگاه بشر با خطر مواجه کرده است. تخریب لایه ازن، گرم شدن زمین، افزایش گازهای گلخانه ای، تغییر اقلیم، تشدید تعداد دفعات وقوع و شدت مخاطرات طبیعی، باران های اسیدی و بیابان زایی، کاربری اراضی کشاورزی به منازل مسکونی و صنایع، تخریب جنگلها و مراتع، آلودگی و نابودی منابع آب شیرین، آلودگی زیستگاههای طبیعی، کاهش سطح خدماتی منابع طبیعی تجدید شونده، بهره برداری های بی رویه از معادن غیر سطحی و از بین بردن خاکهایی که طی متمادی هزاران سال تشکیل شده است. توسعه از یک سو با صنعت، تکنولوژی از سوی دیگر با تخریب آلودگی های محیط زیست ارتباطی تنگاتنگ دارد. تقلیل آلودگی ها و کاهش اثرات تخریبی آن در حدی معقول و در روند توسعه پایدار همراه با استفاده از تکنولوژی های متعادل و منطبق با وضعیت فیزیکی جامعه، برای حفظ و تامین سلامت، رشد و بقای حال و آینده موجودات زنده و بستر حیاتشان مدنظر می باشد. تغییر اقلیم، اجرایی شدن مدیریت پسماند های خطرناک در کشور، کنترل ریزگردها و گرد و غبار، تولید محصولات دانشی و خدمات تخصصی بر اساس شبکه های مدرن و به روز شده سنجش و پایش به هنگام، توسعه و ارتقاء کاربرد فن آوری های پیشرفته شامل سنجش از دور، سوپر کامپیوتر، مدل سازی فر

آیندهای زیست محیط، ایجاد سیستم پایش به هنگام از صنایع آلاینده، ایجاد سیستم ارزیابی راهبردی برنامه های توسعه کشور، مکانیزه شدن فرآیند ارزیابی زیست محیطی طرح های توسعه، توسعه و ارتقاء همکاری های منطقه ای و بین المللی در چارچوب معاهدات و تفاهم نامه ها، توسعه و ارتقاء همکاری های علمی و فنی با دانشگاه ها و موسسات پژوهشی و تصویب قوانین و مقررات در مراجع ذیصلاح می باشد. تنها راهکار عملی در اجرای سیاست های مذکور شناساندن فرهنگ سیاستهای مذکور به مردم و مسئولین تاثیر گذار در دیگر نهادها و سازمانها از طریق آموزش و علاقه مندی آنها به محیطی که در آن زندگی می کنند میسر خواهد بود.

کشاورزی:



سطح استفاده فعلی از اراضی کشور بالغ بر ۱۸/۸ میلیون هکتار است که توزیع آن بر حسب نوع اراضی تحت بهره برداری شامل اراضی زیر کشت محصولات سالانه آبی، اراضی زیر کشت محصولات دائمی آبی، اراضی آیش آبی، اراضی زیر کشت دیم و اراضی آیش دیم می باشد، که درصد زیاد و قابل توجهی از این اراضی بدلیل عدم مدیریت بهینه و بی توجهی در اصلاح الگوی کشت، کم بازده و غیر اقتصادی شده است که در این میان دلالت و واسطه گران بیشترین بهره را می برند... متأسفانه زمانی که بحث توسعه بخش کشاورزی مطرح می شود، تصور عده ای بر افزایش سطح زیر کشت است و به همین دلیل در ایران و کشورهای در حال توسعه برای رسیدن به این هدف با تخریب منابع طبیعی موجب افزایش سطح اراضی کشاورزی کم بازده و رها شده میشوند و توسعه پایدار را به مخاطره می اندازند. کشورهای توسعه یافته زمانی توسعه یافتند که به فکر توسعه کیفی در زمینه های مختلف در کشاورزی افتادند، بنابراین برای دست یابی به توسعه پایدار با حذف روشهای سنتی و غلط در استفاده کمی برای رسیدن به اهداف پیشرفت در کشاورزی باید با استفاده از روشهای نوین و ارزان قیمت تولید داخل بهره ببریم. اصلاح ساختاری با واگذاری امور غیرمرتبط و دست و پاگیر به سازمانهای موازی، تامین آب کشاورزی، اصلاح الگوی کشت، یافته های تحقیقاتی، بازاریابی شبکه ای و اینترنتی محصولات یخچالی و غیر یخچالی باهدف حذف واسطه گران و دلالت و تولید براساس الگوی مصرف داخلی و خارجی اقدام نمود. بنابراین توسعه معقولانه بخش کشاورزی برای کشور ما یک هدف با اهمیت و در عین حال قابل دسترسی است.

کسب مهارتهای مجریان طرح با اجرای برنامه های آموزشی، ترویجی و فرهنگی

کسب مهارت‌ها و دانش کارگروهی برای رسیدن به هدف مشترک لازم است ، بنابراین دو موضوع یادگیری فعال و یادگیری مشارکتی حائز اهمیت است . اجرای برنامه ها ، تفکر ، آزمایش و مشارکت لازمه اجرای پروژه ها و برنامه های منابع طبیعی و محیط زیست برای رسیدن به توسعه پایدار است . داشتن مهارت‌ها موجب مدیریت بهتر خواهد شد که در واقع نوعی مشارکت برای نجات سرزمین است ، لذا در کوتاه مدت ، میان مدت و بلند مدت شاهد اثرات مثبت مهارت‌ها و فنون از لحاظ توان در اجرای طرحها و دستیابی به تعادل اکولوژیکی در اکوسیستمی پایدار با بازده اقتصادی بصورت معیشتی ، بینابینی و تجارتي خواهیم بود ، مدیریت مشارکتی و حفاظتی نیاز به مهارت‌های خاصی دارد و باید اقدام به برگزاری کارگاه های آموزشی ، بازدیدها ، دوره های آموزشی کوتاه مدت و میان مدت برای مجریان بومی و اجرای دوره های بلند مدت و میان مدت آموزشی برای علاقه مندان و سرمایه گذاران غیر بومی که آشنایی کمتری دارند ، نمود . بنابراین مجریان طرحها اعم از بومی و غیر بومی ضمن آشنایی با روشهای جدید از طریق آموزش های تئوری توأم با عملی در خصوص اهداف طرح ، سیر مراحل انجام کار ، شناخت کافی از اصول منابع طبیعی و محیط زیست و قوانین آن، اکوتوریسم و گردشگری، روشهای جلب توریسم و گردشگران ایرانی و خارجی همگام باکسب تجربیات و دانش بومی و آخرین یافته های علمی و تحقیقاتی آشنا خواهند شد و نهایتا تاثیر به سزایی در موفقیت طرحها خواهد داشت .

مراحل فرایند طرح :

مراحل فرآیند طرح بمنظور تعیین میزان ارزش گذاری خدماتی در هر شاخه مذکور ، نسبت به همدیگر انجام می شود، که پس از نتایج حاصله در می یابیم که چگونه میتوان ارزش گذاری خدماتی هر حوزه را با هدف حاکمیتی تعیین کرد و در راس امور برای پیشرفت و آبادانی کشور مد نظر قرار داد تا با وضعیت فعلی در الویت بندی های حاکمیتی و اجرایی سر در گم نشویم. و برای انجام هر گونه مدیریت و برنامه ریزی در طبیعت بر اساس ظرفیت ها، قابلیت ها، پتانسیل ها و نیازها اقدام نماییم. علیهذا مراحل فرآیند طرح به شرح ذیل انجام خواهد شد.

- شناسایی ، مطالعه وهدف گذاری بر روی عرصه های طبیعی و زیست محیطی با الویت بندی در مناطق جنگلی، مرتعی، بیابانی، حوزه های آبخیز،زیستگاههای طبیعی، زیستگاههای انسانی و اراضی کشاورزی بمنظور هدفی نوین و فراگیر در توسعه پایدار.

- تهیه و ارائه ۷ پایلوت موفق و تاثیرگذار در شاخه های مذکور بصورت پارک ملی یا میدان ملی حفاظت شده با در نظر گرفتن مجموعه ای از عواملی که در اکوسیستم منطقه مورد نظر نقش دارند و می توانند سیر توالی اکولوژی را در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت نشان دهند.

- تهیه و تدوین طرح جامع بر اساس شناسایی ، مطالعات ، و هدف گذاری در ۷ شاخه مذکور با تاثیر گذاری هر حوزه نسبت به همدیگر در قالب طرح جامع آمایش سرزمین در اعتلای رسیدن به نرم جهانی و کشور های در حال توسعه و پیوستن به سازمان تجارت جهانی

- اجرای طرحهای مذکور در راستای مطالعات تدوین شده برحسب الویت بندی مکانی وزمانی بر اساس اعتبارات پیش بینی شده و جایگاه تعیین شده دستگاههای دولتی و غیر دولتی و مردم د مشارکت .

- ارزش یابی وکنترل طرحهای اجرا شده براساس الویت بندی های انجام شده تا حصول نتیجه نهایی مدیریت مشارکتی و حفاظتی و تعیین میزان ارزش گذاری خدماتی در شاخه های مذکور نسبت به همدیگر تا رسیدن به مرحله توسعه پایدار.

مراجع :

- واحد ویژه همکاری جنوب-جنوب (برنامه عمران ملل متحد).. تجربیاتی در ارتقاء ظرفیت برای توسعه پایدار. ترجمه نوید اسماعیل پور. انتشارات آکادمی توسعه جهانی جنوب-جنوب. ۲۷۴ص. چاپ اول ۱۳۹۲.

-مخدوم م. شالوده آمایش سرزمین. تهران. انتشارات دانشگاه تهران. ۲۸۹ ص. چاپ دوازدهم. ۱۳۹۰

-سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور. جلوه های خدمت(نگاهی به عملکرد در برنامه چهارم توسعه). چاپ اول . ۱۳۸۹

-روابط عمومی سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور. منابع طبیعی ایران. تهران. انتشارات ماهنامه دام، کشت و صنعت ۱۳۸۳

-شانکار یا چامالا ، پیتیر موریس . مشارکت برای نجات زمین. ترجمه دکترسیداحمد خاتون آبادی ، مهندس غلامرضا نادری. تهران. انتشارات دانشگاه تهران . چاپ اول ۱۳۸۳.

-شاعری ع م ، سعدی ح .. راهنمای عملی مشارکت و ترویج منابع طبیعی . تهران. نشر پونه . ۱۳۸۲.

-سعیدی م . در آمدی بر مشارکت مردمی و سازمانهای غیر دولتی . تهران. انتشارات سمت . ۲۱۴ ص . ۱۳۸۲.

- سیدحسین سیدحسینی. احیاء زاینده رود و مقابله با خشکسالی با سه رویکرد آبخیزداری درحوضه های طبیعی ،شهری و روستایی. خلاصه مقالات اولین همایش ملی بحران آب. ص ۸۸. اصفهان. دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان). ۱۳۹۲.

- سیدحسین سیدحسینی. مدیریت مشارکتی جنگلهای دست کاشت مناطق بیابانی با پنج رویکرد تنوع زیستی، همزیستی با شتر، حفظ ذخائر ژنتیکی ،اکوتوریسم و بازده اقتصادی مجموعه مقالات نخستین کنفرانس بین المللی اکولوژی سیمای سرزمین. کد مقاله ۱۳۳۴. ص ۱ تا ۱۴ . اصفهان دانشگاه صنعتی اصفهان. ۱۳۹۲.

-کرباسی س ، منوری س ، موگویی ر . مدیریت استراتژیک در محیط زیست . انتشارات کاوش قلم . ۱۳۸۶.

-آر.ک.ترنر، دی.پیرس،ای باتمن . ، اقتصاد محیط زیست ، ترجمه دکتر سیاوش دهقانیان ، دکتر عوض کوچکی ، مهندس علی کلاهی اهری . انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد . ۴۳۷ ص . چاپ سوم ۱۳۷۹

<http://www.doe.ir/Portal/home/?196210>

<http://revayat.blogfa.com/post-71.asp>

<http://www.hosein72.i8.com/other/other/other1/em>